

Protecting the Cultural Diversity in the Age of Globalization

(Type of Paper: Research Article)

Setareh Sharifan¹, Mohsen Abdollahi², Masood Raei^{3*}

Abstract

The topic of cultural diversity is one of the most important topics of international law and the international society in order to standardize and assign appropriate protective regulations for it, is still in the beginning of the way. Considering the seriousness of cultural diversity in the ear of globalization, this topic has become more noticeable in international field. Reading that protecting cultural diversity is counted a value and also some of the developed countries are at the head of the imposing their own cultures, so making indispensable a convention under the title of Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions by UNESCO, we need to examine what is cultural diversity and what is the relationship between it and the process of globalization? And does globalization negate cultural diversity or deepen it? This research is based on this theory that there is protection of cultural diversity in international law and approval of UNESCO convention, causes a noticeable help in protecting cultural diversity. In fact, what is threatening the cultural diversity of the world is not the process of globalization but the way governments treat it, so globalization will not only negate cultural diversity but also deepen it. The present research is divided to two sections. At first section we familiarize with the general concept of cultural diversity and after presenting a comprehensive description of it, we pay attention to evolution of it and then examine the aims and basic elements of it. At the end after designing necessary and scientific preliminaries, the second chapter examines the challenges of cultural diversity in the age of globalization.

Keywords

cultural diversity, globalization, international law, cultural policies and actions, cultural goods, cultural industries.

1. Ph.D. in International law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author). Email : setareh.sharifan@gmail.com

2. Associate Prof., Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran & Associate Prof., Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email : abdollahi75@hotmail.com

3. Associate Prof., Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Email: rasoul.raei@gmail.com

Received: November 6, 2019 - Accepted: June 22, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

حمایت از تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

ستاره شریفان^{۱*}، محسن عبدالهی^۲، مسعود راعی^۳

چکیده

امروزه با پدیده‌ای به نام جهانی شدن مواجهیم، فرایندی چندجانبه و چندبعدی که بر تمامی ابعاد زندگی ما تأثیر می‌گذارد. این پدیده در سال‌های اخیر آنچنان سرعتی دارد که به ویژگی عصر حاضر تبدیل شده است و افزون بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر بعد فرهنگی داشته است. تنوع فرهنگی به‌عنوان یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل در عصر جهانی شدن با چالش‌های بسیاری مواجه شده است. در این زمینه تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته با ادعای توسعه جهانی فرهنگ‌های برآمده از دموکراسی‌های خود درصدد تحمیل فرهنگشان به سایر کشورها هستند. درحالی‌که کشورهای در حال توسعه با رد این ادعا، رویکرد دولت‌های مزبور را تهدیدی برای تنوع فرهنگی خود و جهان محسوب می‌کنند. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که چه ارتباطی میان تنوع فرهنگی و پدیده جهانی شدن وجود دارد. آیا جهانی شدن در حال فرسایش تنوع فرهنگی است یا در راستای حمایت‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه یونسکو و تصویب قواعد الزام‌آور توسط آنها و با امکاناتی که جهانی شدن با خود به‌همراه دارد، می‌توان از آن در جهت ارتقای تنوع فرهنگی استفاده کرد؟ سازمان یونسکو به‌عنوان بزرگ‌ترین حامی تنوع فرهنگی در سرتاسر جهان، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی را در سال ۲۰۰۱، کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی غیرمادی در سال ۲۰۰۳ و کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی را در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ به‌منظور حمایت از فرهنگ، میراث فرهنگی ناملموس و تنوع مظاهر فرهنگی گوناگون تصویب کرده است. از نظر این تحقیق، آنچه تنوع فرهنگی را تهدید می‌کند، نه اصل فرایند جهانی شدن که شیوه برخورد دولت‌ها با آن است. ازاین‌رو تلاش‌های سازمان بین‌المللی یونسکو در جهت کنترل و ایجاد قوانین حمایتی از کشورهای در حال توسعه می‌تواند آثار ناخوشایند جهانی شدن را کنترل کند و از امکانات و فناوری‌های این پدیده به‌منظور تقویت فرهنگ‌های کشورهای در حال توسعه استفاده کند.

کلیدواژگان

تنوع فرهنگی، جهانی‌سازی، حقوق بین‌الملل، سیاست‌های فرهنگی، کالاهای فرهنگی.

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email: setareh.sharifan@gmail.com

(نویسنده مسئول).

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران و دانشیار دانشگاه شهید بهشتی،

Email: abdollahi75@hotmail.com

تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. Email: rasoul.raei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

مقدمه

موضوع تنوع فرهنگی در حقوق بین‌الملل از مهم‌ترین و شاید پیچیده‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل است؛ بحثی که هنوز پایانی بر آن متصور نیست (گروس اسپیل و بیگزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۳) و جامعه بین‌المللی در راه ضابطه‌مند ساختن آن و تعیین مقررات حمایتی مناسب در مورد آن هنوز در آغاز راه است. در همین زمینه منشور ملل متحد و اسناد بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر برابری انسان‌ها در برخورداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین و نفی هرگونه تبعیض، در حقیقت اعلام می‌کنند که تمامی فرهنگی‌های متنوع جهان باید از احترام برخوردار باشند، تنوع آنها به هیچ دلیلی نباید انکار شود و تمامی انسان‌ها صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی که با یکدیگر دارند، از شأن و منزلت یکسان نیز برخوردارند.

بی‌شک حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی در سرتاسر جهان مدیون تلاش‌های بیش از سه دهه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) است. فعالیت‌های فرهنگی یونسکو طی سال‌هایی که از حیات این یگانه نهاد بین‌المللی فرهنگی در نظام ملل متحد می‌گذرد، هم از نظر مفهومی و هم از نظر دامنه، گسترش چشمگیری داشته است. یونسکو که زمانی با اقدام‌های بین‌المللی مربوط به حفظ میراث فرهنگی و انتشار مجموعه آثار ادبی برگزیده جهان شهرت یافته بود، اکنون با مفاهیمی اساسی‌تر از حیات بشری، یعنی فرهنگ و توسعه پایدار، سروکار دارد. توجه به ابعاد فرهنگی توسعه، تأکید و تقویت هویت‌های فرهنگی، تشویق مشارکت در حیات فرهنگی، حمایت از تنوع فرهنگی، ترویج همکاری‌های بین‌المللی فرهنگی، حفظ میراث فرهنگی بین‌المللی، حفظ میراث فرهنگی زیر آب از جوانب فعالیت‌های فرهنگی یونسکو به‌شمار می‌روند.

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی سال ۲۰۰۱ در ماده ۱ خود، تنوع فرهنگی را برای اولین بار «میراث مشترک انسانی»^۱ خواند و آن را به رسمیت شناخت که البته نقص اصلی این اعلامیه الزام‌آور نبودن آن بود. شایان ذکر است که پیش از آن نیز چندین سند حقوقی بین‌المللی الزام‌آور که کم‌وبیش به مسئله تنوع فرهنگی پرداخته بودند، وجود داشتند که در چهار زمینه تنوع خلاق^۲، میراث طبیعی و فرهنگی^۱، اموال منقول فرهنگی^۲ و میراث فرهنگی غیرمادی^۳

1. The Common Heritage of humanity

براساس ماده ۱ اعلامیه، تنوع فرهنگی به‌عنوان «میراث مشترک انسانی» شناخته می‌شود. این ماده بیان می‌کند: فرهنگ در پهنه زمان و مکان شکل‌های متنوع به خود می‌گیرد. این تنوع در یگانگی و کثرت هویت‌های گروه‌ها و جوامعی که نوع بشر را ایجاد می‌کنند، جای دارد. همان قدر که تنوع حیاتی برای طبیعت ضروری است، تنوع فرهنگی نیز، به‌عنوان منشأ تبادل، نوآوری و خلاقیت، برای طبیعت لازم است. بدین‌معنا، تنوع فرهنگی میراث مشترک انسانی است و باید به رسمیت شناخته شده و به نفع نسل‌های حال و آینده تأیید شود.

2. Creative diversity

حمایت از تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن ۳

ارائه شده بودند.^۴ نقص‌هایی که تمامی اسناد پیشین داشتند، به‌علاوه نیازی که کشورهای در حال توسعه برای حمایت از فرهنگ و کالاهای فرهنگی‌شان در عصر جهانی شدن با آن مواجه بودند، سبب تصویب کنوانسیون الزام‌آور و با ضمانت اجرا با عنوان کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی در سال ۲۰۰۵ شد که با استقبال بی‌نظیر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) مواجه شد.^۵ در واقع تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ کشورهای در حال توسعه و هراسی که این دولت‌ها از ناتوانی در رقابت با کشورهای قدرتمند و توسعه‌یافته داشتند، محرک اصلی آنان در تصویب فوری کنوانسیون بود.

در واقع در عصر جهانی شدن عملاً تمامی فرهنگ‌ها این امکان را ندارند تا در فضایی برابر و به‌طور یکسان به گفت‌وگو بپردازند و به‌دلیل نابرابری اقتصادی موجود در جهان، دولت‌های قدرتمند به‌سبب منافع سیاسی و اقتصادی که دارند، سعی می‌کنند فرهنگ خود را بر سایر فرهنگ‌ها تحمیل کنند. در این میان بیشترین آسیب را کشورهای ضعیف‌تر و در حال توسعه می‌بینند که این امر در نهایت بر نابرابری فرهنگی دامن می‌زند و تنوع فرهنگی جهان را به مخاطره می‌اندازد. از این‌رو این نگرانی‌ها حقوق‌دانان و نهادهای بین‌المللی فعال در عرصه فرهنگ را بر آن داشت تا تدبیری بیندیشند و از سازوکارهای موجود برای حمایت از تنوع فرهنگی جهان استفاده کنند، که با تلاش‌های بی‌وقفه سازمان یونسکو و همراهی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به تصویب کنوانسیون انجامید.

همان‌طور که می‌دانیم جهان امروز بیش از هر زمان دیگری محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف است و همزیستی فرهنگی و حفظ تنوع آنها به‌مثابه حفظ میراث مشترک انسانی، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. پرواضح است که هر انسانی بیش از هر چیز زاده و ساخته و پرداخته

1. Namely cultural and natural heritage
2. Movable cultural property
3. Intangible cultural heritage and contemporary creativity

۴. مهم‌ترین این کنوانسیون‌ها عبارت‌اند از:

۱. کنوانسیون حمایت از میراث طبیعی و فرهنگی جهان، ۱۹۷۲
The Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage 1972.
 ۲. کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی غیرمادی، ۲۰۰۳
The Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage 2003.
 ۳. اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی، ۲۰۰۱
Universal Declaration on Cultural Diversity, Adopted by the 31st Session of the General Conference of UNESCO, Paris, 2 November 2001.
 ۵. کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی، یونسکو، ۲۰۰۵
Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions, UNESCO, Paris, 20 October 2005.
- متن کنوانسیون در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ با ۱۴۸ رأی موافق از جمله ایران، دو رأی مخالف (آمریکا و اسرائیل) و چهار رأی ممتنع (لیبریا، هندوراس، استرالیا و نیکاراگوئه) تصویب و در سال ۲۰۰۷ لازم‌الاجرا شد.

محیط فرهنگی خویش است و در نتیجه حفظ تنوع فرهنگی در جهان امروز که به سوی دهکده‌ای جهانی پیش می‌رود، به فراهم آوردن بستری مناسب برای رشد استعداد های فردی منجر می‌شود و نیل به سوی توسعه و صلح پایدار را بیش از پیش میسر می‌سازد. در واقع کنوانسیون با وضع مقررات بین‌المللی الزام‌آور به قصد حمایت از تنوع فرهنگی می‌تواند به‌عنوان آنتی‌تز (برابر نهاد) در مقابل یکسان‌سازی فرهنگی قرار بگیرد و اجازه ندهد که فرهنگ‌ها و مظاهر متنوع آنها نابود شده و فرهنگی واحد هرچند باارزش بر کل جهان حاکم شود؛ امری که در لوای پدیده جهانی شدن از طرف برخی از دولت‌ها دنبال می‌شود. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که چه ارتباطی میان تنوع فرهنگی و پدیده جهانی شدن وجود دارد. آیا جهانی شدن در حال فرسایش تنوع فرهنگی است یا با کمک سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو و تصویب قواعد لازم‌الاجرا و با توجه به امکاناتی که جهانی شدن فراروی تنوع فرهنگ‌ها می‌گذارد، می‌توان از جهانی شدن در جهت ارتقای تنوع فرهنگی استفاده کرد؟

فرضیه این تحقیق در پاسخ به پرسش‌های یادشده آن است که آنچه تنوع فرهنگی را تهدید می‌کند، نه اصل فرایند جهانی شدن که شیوه برخورد دولت‌ها با آن است. از این‌رو تلاش‌های سازمان بین‌المللی یونسکو در جهت کنترل و ایجاد قوانین حمایتی از کشورهای در حال توسعه می‌تواند تأثیرات ناخوشایند جهانی شدن را کنترل کرده و از امکانات و فناوری‌های این پدیده به‌منظور تقویت فرهنگ‌های کشورهای در حال توسعه استفاده کند. افزون‌بر این تنوع فرهنگی مورد حمایت حقوق بین‌الملل است و تصویب کنوانسیون یونسکو کمک شایان توجهی به این حمایت داشته است؛ به طوری که می‌توان این دوران را عصر تعمیق تنوع فرهنگی خواند (بیگزاده، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۰۷).

پژوهش حاضر در دو بخش سازماندهی شده است: در بخش نخست، ابتدا با مفهوم کلی تنوع فرهنگی آشنا می‌شویم، آنگاه پس از بررسی سیر تحولات تنوع فرهنگی، اهداف و اصول اساسی آن را با توجه کنوانسیون پیش‌گفته مورد توجه قرار می‌دهیم. پس از آشنایی با مفهوم کلی تنوع فرهنگی و اصول و اهداف آن، بخش دوم به چالش‌های تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن می‌پردازد.

شناخت تنوع فرهنگی و اصول حاکم بر آن

تنوع فرهنگی ویژگی ذاتی جامعه بشری و ضامن بقا و جلوگیری از نابودی هویت افراد، گروه‌ها و ملیت‌ها در طول تاریخ بشری است. از این‌رو اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی، تنوع فرهنگی را «میراث مشترک انسانی» می‌خواند و کنوانسیون ۲۰۰۵ حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی نیز این‌گونه به تعریف آن می‌پردازد:

«تنوع فرهنگی به روش‌های گوناگونی اطلاق می‌شود که گروه‌ها و جوامع برای بیان فرهنگ‌ها به کار می‌گیرند. این جلوه‌ها و مظاهر از طریق گروه‌ها و جوامع و بین آنها انتقال می‌یابند. تنوع فرهنگی نه فقط در روش‌های گوناگون بیان، تقویت و انتقال میراث فرهنگی بشر، بلکه در شیوه‌های تنوع آفرینش هنری، تولید، اشاعه، توزیع و بهره‌مندی صرف‌نظر از ابزار و فناوری‌های مورد استفاده تجلی می‌یابد» (بند ۱ ماده ۴).

تنوع فرهنگی با اهدافی (بند ۱ تا ۹ ماده ۱) همچون حفظ شأن و منزلت ذاتی بشر، حمایت از فرهنگ تمامی کشورها به‌عنوان یک ارزش، شناخت ماهیت خاص فعالیت، کالاها و خدمات فرهنگی و تشویق گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها به‌منظور تضمین مبادلات گسترده و متوازن فرهنگی در جهان برای احترام به تمامی فرهنگ‌ها و با تکیه بر اصولی (بند ۱ تا ۸ ماده ۲) چون اصل احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، اصل تساوی منزلت و احترام به همه فرهنگ‌ها، گفت‌وگوهای میان فرهنگی و غنابخشی به «جهانشمولی حقوق بشر»، ویژگی ذاتی بشریت است و دفاع از آن یک الزام اخلاقی و جدایی‌ناپذیر از کرامت و منزلت انسانی است. در واقع حقوق بشر به لحاظ سرشتی که دارد، باید جهانی باشد و زمان و مکان نمی‌شناسد، از این رو جهانشمولی از ویژگی‌های مهم حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان تأکید شده است و لازمه جهانشمولی حقوق بشر آن است که به تمامی فرهنگ‌ها توجه شود. ارتباط و تأثیر متقابل حقوق بشر و تنوع فرهنگی آنچنان عمیق و پراهمیت است که به‌عنوان نخستین اصل اساسی در کنوانسیون مطرح شده است. طبق این ماده تنوع فرهنگی مبتنی بر یک ارزش مشترک یعنی کرامت و منزلت انسانی است و از این رو حمایت و ترویج آن تنها زمانی امکان‌پذیر است که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی آن رعایت شود. در واقع آزادی بیان، اطلاعات و آزادی افراد برای انتخاب مظاهر فرهنگی، لازمه حمایت از تنوع فرهنگی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز نه تنها نقض حقوق بشر را در راستای نیل به تنوع فرهنگی مجاز نمی‌داند، بلکه دفاع از تنوع فرهنگی را مستلزم داشتن تعهد به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی می‌داند و مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند برای نقض حقوق بشر که قواعد بین‌المللی آنها را ضمانت کرده‌اند و یا تحدید حدودشان به تنوع فرهنگی استناد کند» (ماده ۴، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو، ۲۰۰۱). در واقع تمامی اصول کنوانسیون تأکید می‌کنند که هیچ سیاستی برای حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی نباید برای تضييع یا محدود کردن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مثل آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات و همچنین حق افراد برای انتخاب مظاهر فرهنگی‌شان استفاده شود.

یکی دیگر از اصول اساسی، اصل همبستگی و همکاری بین‌المللی است که کنوانسیون بند ۴ ماده ۲ را به این اصل اختصاص داده است و هدف از این همکاری و همبستگی بین‌المللی را توانمندسازی کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه می‌داند و کشورها را موظف می‌سازد

که در جهت تولید و تقویت ابزار مظاهر فرهنگی نوپا و تازه تأسیس کشورهای در حال توسعه با یکدیگر همکاری کرده و آن صنایع و کالاها را در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی عرضه کنند. اصل بعدی اصل توسعه پایدار است که براساس این اصل تنوع فرهنگی سرمایه‌ای غنی برای افراد و جوامع است و حفظ، ترویج و نگهداری از آن شروط اساسی تحقق توسعه پایدار به سود نسل حاضر و آینده است. در واقع بدون حفظ و اعتلای تنوع فرهنگی رسیدن به توسعه پایدار که از ابزارهای مهم تحقق فرایند جهانی شدن است، امکان‌پذیر نخواهد بود. از دیگر اصول اساسی می‌توان به اصل حاکمیت و اصل بردباری اشاره کرد. براساس اصل حاکمیت دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل حق دارند اقدام‌ها و سیاست‌هایی را برای حمایت و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی در قلمرو خویش اتخاذ کنند. شایان ذکر است که اختیار دولت‌ها در این مورد مطلق نیست و اجرای سیاست‌ها و اتخاذ اقدام‌های مربوط به حمایت و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی از سوی آنها باید منطبق با مقررات این کنوانسیون باشد. اصل آخر اصل بردباری در گفت‌وگوی تمدن‌هاست که براساس این اصل دولت‌ها برای گفت‌وگو و تبادل اندیشه با یکدیگر باید در عین داشتن تفاوت در اعتقادات، فرهنگ، زبان و غیره با هم برابر باشند و بردباری را به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین سرلوحه‌شان قرار دهند.

امروزه تضمین تنوع فرهنگی از اصول مهم در فضای جهانی شده کنونی است. فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی که از مهم‌ترین مصادیق تنوع فرهنگی‌اند، حامل اندیشه‌ها، نمادها و روش‌های زیست‌ملتها هستند و در خلق و معرفی هویت جمعی و تعیین رویه‌های فرهنگی نقش بسزایی دارند. صنایع فرهنگی نیز که شامل صنعت چاپ و نشر، تولیدات سینمایی و سمعی و بصری، ضبط و صدابرداری و صنایع دستی و طراحی‌اند، با چالش رقابت بین‌المللی روبه‌رو هستند. از این‌رو برای حمایت از این‌گونه کالاها و خدمات فرهنگی، برای اولین بار در جریان مذاکرات موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت سال ۱۹۴۷، نظریه «استثنای فرهنگی»^۱ به کار برده شد.^۲ این نظریه بیان می‌کند که کالاها و خدمات فرهنگی به‌دلیل «فرهنگی بودن» ماهیت خاص خود را دارند؛ ماهیتی که ورای جنبه‌های صرفاً اقتصادی‌شان است.

با تسریع فرایند جهانی شدن طی سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، زندگی بشر امروز به‌سرعت در حال تغییر است و در همه زمین‌ها شاهد تحول بنیادین و عمیقی هستیم. از جمله نگرانی‌هایی که در اثر این فرایند به‌وجود آمده است، خطری است که تنوع فرهنگی جهان را تهدید می‌کند. ارزیابی روند پذیرش و چالش‌های تنوع فرهنگی مستلزم بررسی تحولات حقوق بین‌الملل در سه دوره است:

پیش از دوران معاصر، یعنی در دوران رواج حقوق بین‌الملل کلاسیک در عرصه سیاست و

1. Cultural Exception

2. General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

روابط میان دولت‌ها، جای چندانی برای تنوع فرهنگی و احترام به مصادیق گوناگون فرهنگ انسانی وجود نداشت و میزان رواج و احترام به فرهنگ‌ها را قدرت سیاسی تعیین می‌کرد که از آن فرهنگی پشتیبانی می‌نمود. این دوره را می‌توان دوره انکار تنوع فرهنگی نامید. در این دوران، تنوع فرهنگی به‌عنوان یک ارزش، مطلقاً انکار شده بود و همه حاکمان صرفاً در پی تحمیل سلطه سیاسی و فرهنگی خود بر تمامی مردم جهان بودند. این دوران تا آن هنگام که نخستین بارقه‌های ظهور حقوق بین‌الملل معاصر در اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم شکل گرفت، کمابیش ادامه داشت.

دوران پذیرش تنوع فرهنگی: با گذار به عصر همکاری و شکل‌گیری مفهوم تازه‌ای از دولت - ملت^۱ بالطبع جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌المللی نیز دستخوش تحول می‌شوند. این دوران را دوره پذیرش تنوع فرهنگی می‌گویند. در این دوران روابط بین‌المللی بر مبنای قدرت، همکاری و برابری است. دولت‌ها نیز در روابط میان خود به تناسب اوضاع و احوال اجتماعی به‌صورتی از الگوهای مختلف از جمله تسلط یک فرهنگ بر فرهنگ دیگر ضمن پذیرش تساهل و مدارای با آنها و با پذیرش نظام مبتنی بر دو اصل منافع عمومی و اصل تکثر^۲ نظام‌های اجتماعی فرهنگی و در نهایت پذیرش اصل تفاوت از یک سو و برابری دولت‌ها از سوی دیگر استفاده می‌کنند. در این الگوها که به‌طور عمده برگرفته از منشور ملل متحد هستند، وجه غالب کثرت‌گرایی فرهنگی و اجتماعی است (فلسفی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۶۹-۶۸).

دوران معاصر: در عصر حاضر جامعه بین‌الملل با چالشی مواجه شده که کاملاً آن را متحول خواهد ساخت: جهانی شدن پدیده‌ای است که به‌سرعت پیش می‌رود و به عقیده بسیاری از اندیشمندان، حقوق بین‌الملل و به‌خصوص تنوع فرهنگی را دچار نوسانات بسیاری خواهد کرد. جهانی شدن که ترجمه‌ای از واژه گلوبالیزیشن^۳ انگلیسی است، پدیده‌ای است که هنوز به نهایت تکامل خود نرسیده است و همچنان دستخوش تحول است. جهانی شدن پدیده نوظهوری نیست، بلکه فرایندی است که همگام با افزایش آگاهی انسان نسبت به خود و محیط طبیعی و اجتماعی، از آغاز تاریخ وجود داشته است. از جنگ جهانی دوم به بعد با رشد تجارت جهانی، افزایش تحرک سرمایه در سطح بین‌المللی، مهاجرت نیروی کار و کاهش موانع تجاری براساس قراردادهای بین‌المللی، شکل دیگر و سرعت بیشتر پیدا کرد. در سال‌های اخیر هم با سرعت فزاینده دانش و فناوری و فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان دوران جنگ سرد، شتاب بی‌سابقه‌ای گرفته است.

با ظهور این پدیده، جهان مکان دیگری شده است. درحالی‌که زندگی انسان‌ها با فرهنگ خاص خودشان ادامه می‌یابد، اما همزمان توسط شبکه‌های ارتباطی جهانی بزرگ‌تر نیز به

1. Nation-state

2. Pluralism

3. Globalization

مبارزه طلبیده می‌شود. نیروهای قدرتمند جهانی شدن به شدت بر جوانان، خانواده‌ها و نظام‌های آموزش سراسر جهان تأثیر می‌گذارد، به طوری که تمامی نظام‌های اجتماعی این نیاز را حس می‌کنند تا از ارزش‌ها، مهارت‌ها و رقابت‌های جدید جهانی بهره‌مند شوند. در واقع جهانی شدن، به هم پیوستگی را که بنا بود مابین قلمروها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و هویت‌ها توسط طرح‌های نوگرایانه سده‌های نوزدهم و بیستم برقرار شود، دگرگون می‌کند (M.Suarez, Qin- Hilliard, 2004: 2-3).

جهانی شدن را باید فرایندی چندجانبه و چندبعدی دانست (Cultural Report, 2009 UNESCO World درون و در میان حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فناوری و فرهنگی عمل می‌کند و بر حیات مادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان امروز تأثیر فزاینده‌ای دارد. See: S. (Benhabib, 2002).

جهانی شدن از یک سو مفهومی قدیمی و از سویی دیگر معنایی کاملاً جدید دارد. حتی اگر جهانی شدن را مفهومی آرمانی، انتزاعی و به معنای عدالت جهانی و گسترش حقوق بشر بدانیم، این مفهوم توسط پیامبران ادیان مختلف بازگو شده است. پیگیری خط سیر دیدگاه جهانی شدن در میان نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان در آرای ماکس، وبر، دورکیم و والرش‌تاین قابل ریشه‌یابی است. اما اگر جهانی شدن را در معنای عینی آن یعنی ایجاد تحولات گوناگون بدانیم، مفهومی است که از دوره فروپاشی کمونیسم و نظام دوقطبی و بالأخره پایان جنگ سرد عینیت یافته است که در بخش بعد به بررسی این پدیده و چالش‌های تنوع فرهنگی در این عصر می‌پردازیم.

چالش‌های تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن

از آغاز تمدن بشری گونه‌ای فرایند جهانی شدن را می‌توان در تحولات و دگرگونی‌های عالم مشاهده کرد. با وجود این، در سالیان اخیر این فرایند آنچنان سرعت گرفته که به ویژگی غالب عصر حاضر تبدیل شده است و بسیاری از تحلیلگران^۱، دوره اخیر را عصر جهانی شدن نامیده‌اند (آلبرو، ۱۳۸۱). فرایند جهانی شدن ره‌آورد دوگانه‌ای برای تنوع فرهنگی دارد، به طوری که کاهش اهمیت مرزها در روابط بین‌المللی و گسترش فناوری‌های پیشرفته ارتباطات و اطلاعات که به‌طور روزافزون در اختیار مردم سرتاسر جهان قرار می‌گیرد، شرایط بی‌نظیری را برای کنش متقابل فزاینده میان فرهنگ‌ها فراهم می‌آورد که از این طریق فرهنگ‌های گوناگون و متفاوت جهان می‌توانند دستاوردهای فرهنگی خود را به مردم اقصی نقاط جهان معرفی کنند، که این امر

۱. تحلیلگرانی چون رابرتسون، مارتین آلبرو و لستر تارو.

می‌تواند بهترین تضمین برای حفظ و بقای فرهنگ‌های گوناگون جهان باشد. اما چالشی که فرایند جهانی شدن فراروی تنوع فرهنگی پدید آورده است، خطر ایجاد عدم تعادل میان فرهنگ کشورهای غنی و فقیر و در نتیجه سلطه فرهنگ کشورهای ثروتمند (کشورهای شمال) بر کشورهای دارای اقتصاد ضعیف (کشورهای جنوب) است.

در دنیای جدید کنونی، رسانه‌ها با ظاهری فریبنده و دلپسند بر جوامع بشری رسوخ کرده‌اند، مسئولیت انتقال فرهنگ را بر عهده گرفته‌اند و در واقع به همسان‌سازی فرهنگی می‌پردازند. این همسان‌سازی از فرایند فرهنگ‌های گوناگون در عرصه جهانی رخ می‌دهد و مشابه قوانین فیزیک است. به طوری که همواره در یک نظام سیالات از قسمت پرفشار به سمت قسمت کم‌فشار حرکت می‌کنند تا به تعادل برسند. فرهنگ‌ها نیز همانند این سیالات از طرفی که قوی‌تر است به سمت فرهنگ ضعیف‌تر می‌روند و فرهنگ ضعیف را تحت تأثیر قرار می‌دهند تا در سایش دوجانبه به تعادل برسند که همان همانندسازی است، البته به نفع طرف قوی‌تر.

این خطر به حدی جدی است که هم اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی و هم کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی در دیباچه‌های خود آن را مورد توجه قرار دادند. در واقع از انگیزه‌های اصلی یونسکو در پرداختن به موضوع تنوع فرهنگی و تصویب چندین سند بین‌المللی در آن خصوص، خطری بود که موجودیت فرهنگ‌هایی را که از پشتوانه اقتصادی قوی برخوردار نبودند، تهدید می‌کرد.

نظریه‌های گوناگونی در زمینه جهانی شدن وجود دارند که یکی از مهم‌ترین آنها نظریه رابرتسون^۱ است. این نظریه از تازه‌ترین نظریه‌هایی است که در تحلیل مسائل کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان در آخرین دهه‌های سده بیستم مطرح شده است.

محور نظریه رابرتسون، جهانی شدن به مفهوم خاصی است که او به کار می‌برد. در این معنا جهانی شدن عبارت است از درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد. جهانی شدن به این معنا، حرکتی منحصر به دنیای معاصر نیست. به عقیده او جهانی شدن اگرچه به معنای یگانه شدن جهان است، یگانه شدن را نباید با دو مفهوم وحدت و ادغام اشتباه کرد. رابرتسون چنین تصویری را با تأکید رد می‌کند. وی جهانی شدن را فرایندی کم و بیش مستقل معرفی می‌کند که منطبق جهت و نیروی محرک خود را دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۲).

از دیگر نظریه‌پردازان جهانی شدن می‌توان ساموئل هانتینگتون^۲ را نام برد که به نظریه‌پرداز جنگ میان تمدن‌ها شهرت دارد. به عقیده وی جوامع مختلف که متعلق به تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون هستند، اساساً متفاوت‌اند و نسبت به یک تغییر مشابه مثل جهانی شدن اقتصادشان یا دموکرات شدن جوامعشان عکس‌العمل‌های گوناگونی نشان می‌دهند و در نتیجه همواره با یکدیگر

1. Globalization Theory of Robertson

2. Samuel Huntington

در تعارض‌اند. وی در مقاله‌ای با عنوان «غرب انحصاری و نه جهانی» میان نو شدن و غربی شدن قائل به تفکیک شده است، به عقیده او مردمان غیر غربی نمی‌توانند به بخشی از الگوی تمدن غربی تبدیل شوند، هرچند کالاهای غربی مصرف کنند، فیلم‌های آمریکایی تماشا کنند و به موسیقی غربی گوش فرا دهند. وی می‌افزاید روح هر تمدنی در زبان، مذهب، ارزش‌ها و سنت‌های آن تمدن نهفته است، بنابراین با تحمیل ارزش‌ها و عرف‌های یک تمدن به تمدن‌های دیگر، در واقع تمدن پذیرنده روح خود را از دست داده است (Imai, 2006: 1).

واقعیت این است که جهانی شدن تنوع فرهنگی را به مخاطره می‌اندازد. از این‌رو همان‌طور که جامعه بین‌المللی در دهه ۱۹۹۰ برای حفظ تنوع زیستی به منظور ادامه حیات بشر بر کره زمین، کنوانسیون حفظ تنوع زیستی را برای تضمین توسعه پایدار به تصویب رساند، به نظر می‌رسد که ابعاد فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن نیز افکار عمومی را در سرتاسر جهان به تلاش بین‌المللی در جهت حفظ تنوع فرهنگی وا دارد (صفایی، شماره ۱۵۹).

این تلاش‌ها در اکتبر ۲۰۰۳ تا حدودی به‌بار نشست و تصمیم گرفته شد که مسئله تنوع فرهنگی در قالب «حمایت از تنوع محتوای فرهنگی و مظاهر هنری» موضوع یک کنوانسیون بین‌المللی شود و سرانجام در اکتبر ۲۰۰۵ متن نهایی کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی با اکثریت قاطع ۱۴۸ رأی مثبت و تنها با مخالفت آمریکا و اسرائیل تصویب شد.

روند تصویب این کنوانسیون توسط دولت‌ها با آن سرعت و رأی بالا بیانگر توجه و حمایت بین‌المللی از تنوع فرهنگی است. این روند سبب «تقویت همکاری و همبستگی بین‌المللی بر مبنای تشریک مساعی برای حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی، به‌ویژه برای تقویت ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه می‌گردد» (بند «ط» ماده ۱) و هدف اصلی این کنوانسیون، جلوگیری از جهانی‌سازی فرهنگ و ممانعت از سلطه جهانی آمریکا در زمینه فرهنگی است.

در واقع مهم‌ترین مسئله‌ای که جهانی شدن، فراروی جامعه جهانی قرار داده است، وضعیت فرهنگی این جامعه در حال شکل‌گیری است. تغییرات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اخیر که جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است، یادآور تاریخ توسعه اروپاست. همانند آنچه در اروپا رخ داد، یک بسیج اجتماعی چشمگیر این بار در سرتاسر جهان مشاهده می‌شود (Senghaas, 2004, chapter 10: 7).

باید گفت که هدف اصلی جهانی‌سازی ادغام اقتصاد کشورهای دنیا از طریق حذف موانع تجاری است. در این زمینه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت از کشورهای به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، می‌خواهند که در ازای دریافت وام، سرمایه‌گذاری، کمک‌های توسعه، در کل سیاست‌های اقتصادی خود را با «نظریه تجارت آزاد»^۱ منطبق کنند. این سازمان‌ها در تحمیل این نظام در سرتاسر جهان نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. با این حساب بیشتر

کشورهای در حال توسعه از ناحیه فرهنگی با مشکلات جدی مواجه شدند، زیرا طبق فلسفه تجارت آزاد جهانی هیچ‌گونه حمایت دولتی از شرکت‌ها و صنایع داخلی نباید وجود داشته باشد و از همه مهم‌تر اینکه صنایع فرهنگی تولیدکننده محصولات محصلاتی مانند فیلم، برنامه‌های تلویزیونی، کتاب و موسیقی نمی‌توانند از نظارت‌های حمایتی برای رقابت‌های بین‌المللی برخوردار شوند و دولت‌ها نیز نمی‌توانند به این صنایع یارانه اختصاص دهند تا در بازار جهانی قدرت رقابت داشته باشند.

با توجه به چالش‌های مذکور تنوع فرهنگی در عصر جهانی شدن و از آنجا که حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی در این عصر، از جمله موضوعاتی است که تحقق آن نیازمند همکاری مستمر و عمیق میان دولت‌هاست، کنوانسیون تنوع فرهنگی توجه ویژه‌ای به این مسئله داشته و تعهداتی را در قلمرو بین‌المللی و داخلی بر عهده دولت‌ها گذاشته است. این تعهدات، تعهدات الزام‌آوری هستند که عدم اجرایشان مسئولیت دولت‌ها را در پی دارد.

در قلمرو بین‌المللی این تعهدات شامل تعهد به ترویج همکاری بین‌المللی و بسط همبستگی بین‌المللی است. کنوانسیون در ماده ۱۲ از دولت‌ها می‌خواهد که به‌منظور حمایت و گسترش تنوع فرهنگی در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر همکاری کنند و تبادل اطلاعات را نه به‌عنوان یک امر مطلوب یا توصیه‌شده بلکه به‌عنوان تکلیف بین‌المللی خود تلقی کنند که مهم‌ترین ثمره این همکاری تسهیل گفت‌وگو میان دولت‌های عضو در زمینه سیاست‌های فرهنگی است.^۱

کنوانسیون ضمن ترویج استفاده از فناوری‌های نوین دولت‌ها را به مشارکت با یکدیگر به هدف بهبود تبادل اطلاعات و تفاهم فرهنگی ما بین خود و تقویت گوناگونی مظاهر فرهنگی و همچنین انعقاد موافقت‌نامه‌های مشترک تولید و توزیع ترغیب می‌کند (بند ۴ . ۵، ماده ۱۲). مواد ۱۲ و ۱۴ کنوانسیون راهکارهایی را در زمینه همکاری و همبستگی ارائه دادند که هدفشان افزایش ظرفیت آفرینش، تولید، انتشار و توزیع مظاهر فرهنگی است.^۲

با توجه به اینکه کنوانسیون اولویت را برای کشورهای در حال توسعه می‌داند، کشورهای پیشرفته را به همکاری با یکدیگر به هدف کمک به این کشورها ترغیب می‌کند و در برخی موارد

۱. علاوه بر ماده ۱۲، مواد ۱۴ تا ۱۷ کنوانسیون تنوع فرهنگی نیز به همکاری دولت‌ها و شیوه‌های همکاری می‌پردازند.
۲. البته متأسفانه کنوانسیون همانند تمامی اسناد بین‌المللی ضعف‌هایی نیز دارد که یکی از آنها بند ۲ ماده ۲۰ کنوانسیون است، زیرا مقرر می‌کند که مفاد این کنوانسیون نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که سبب تغییر حقوق و تعهدات اعضا در قبال سایر معاهداتی شود که در آنها عضویت دارند. از این‌رو ماده ۲۰ کنوانسیون از بحث‌برانگیزترین مواد کنوانسیون (به‌خصوص در ارتباط با معاهدات نظام تجارت جهانی) است. در واقع می‌توان گفت مفاد این ماده از دلایل مخالفت آمریکا با کنوانسیون است. همچنین در رویه دولت‌ها شاهد این هستیم که علاوه بر آمریکا تعدادی از کشورها از جمله مکزیک و نیوزیلند نیز خواستار پیوستن به کنوانسیون با حق شرط برای کاربرد و تفسیر ماده ۲۰ شدند.

تبعیض مثبتی را به نفع آنها در نظر می‌گیرد. ضرورت حضور کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، شناخت استعدادها، خلاقیت‌ها، ابتکارات و ظرفیت‌های مناطق مختلف، استفاده از این ظرفیت‌ها را الزامی می‌کند. افزون بر این، کنوانسیون همکاری‌های بین‌المللی برای احیای مظاهر فرهنگی در معرض خطر را امری ضروری می‌داند. بنابراین کشورهای آسیب‌پذیرتر و آن‌هایی که تنوع فرهنگی‌شان در معرض خطر نابودی قرار دارد و به‌خصوص آن‌هایی که با کمبود امکانات به‌منظور حمایت و ترویج مظاهر فرهنگی‌شان روبه‌رو هستند، می‌توانند بر این اتحاد بین‌المللی اعتماد کنند و با امکاناتی که جهانی شدن فراروی آنها گذاشته است، به کمک فناوری‌های کشورهای پیشرفته و کمک‌های مالی صندوق بین‌المللی تنوع فرهنگی از این میراث فرهنگی محافظت کنند (ماده ۱۸). ایجاد صندوق بین‌المللی تنوع فرهنگی گام مهمی در حمایت از تنوع فرهنگی و به‌ویژه کمک به کشورهای در حال توسعه است.

به‌منظور نظارت کامل بر صندوق تنوع فرهنگی و عملکرد دولت‌ها نهاد ناظری با عنوان کمیته بین‌الدولی به‌وجود آمده است که وظیفه نظارت بر حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی را بر عهده دارد که مهم‌ترین وظیفه کنوانسیون اعتلا و ارتقای اهداف کنوانسیون و تشویق و تضمین اجرای آنهاست. همچنین کمیته قواعدی را به نفع کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته است (ماده ۲۳) و می‌توان گفت که کمیته بین‌الدولی مهم‌ترین نهاد نظارتی و اجرایی کنوانسیون در جهت حمایت از تنوع فرهنگی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. در واقع یونسکو به‌عنوان تنها سازمان مسئول در عرصه فرهنگ در مجموعه نظام ملل متحد تلاش می‌کند تا جهانی شدن محصولات و صنایع، به غنای فرهنگ و مبادله فرهنگی میان ملت‌های گوناگون بینجامد.

در قلمرو داخلی نیز دولت‌ها تعهد دارند که مظاهر فرهنگی‌شان را حفظ کنند و ارتقا بخشند؛ به‌ویژه در مورد مظاهر فرهنگی در معرض خطر نابودی، دولت‌ها موظف به تولید و اشاعه مظاهر فرهنگی، مبادله، تحلیل و انتشار اطلاعات و آموزش و آگاهی عمومی از طریق رسانه‌های ارتباطات جمعی‌اند تا از این میراث فرهنگی محافظت کنند.

با این اوصاف امروزه در عصر جهانی شدن، توسعه و بهبود صنایع فرهنگی رقابتی، برای کشورها به‌خصوص کشورهای کوچک یا در حال توسعه که تاکنون تنها در سطح داخلی فعالیت می‌کردند و بسیاری از مظاهر فرهنگی همچون زبان‌ها و گویش‌هایشان در معرض خطر نابودی‌اند، کوشش فراملی را الزامی می‌سازد و مستلزم تصویب قواعد یا مقررات جهانی است، قواعدی که اصول اساسی دسترسی یکسان، تنوع و رقابت را محترم بشمارند که این امر بی‌شک توسعه بازارهای جدید در عرصه فرهنگی را در پی خواهد داشت و سبب حفظ و ارتقای مظاهر فرهنگی گوناگون خواهد شد.^۱

۱. تأثیر مثبت جهانی شدن در غنای فرهنگ و تشدید آگاهی جهانی را می‌توان در آثار و افکار اندیشمندانی بزرگ

از سوی دیگر عصر جهانی شدن عصر فوران اطلاعات و ارتباطات است. رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نقشی مهم در تقویت تنوع فرهنگی در دنیای ارتباطات جمعی امروزی ایفا می‌کنند. افزون بر این، پذیرش و شناسایی تنوع فرهنگی و جلوه‌های آن، از طریق کاربرد مبتکرانه رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، می‌تواند به تقویت احترام و درک متقابل میان فرهنگ‌ها کمک کند (بلیک، ۱۳۹۵: ۷۳).

باید این نکته را نیز مدنظر داشت که تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تنها نیمی از راه حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی جهان است، نیمه دیگر راه، بر عهده تمامی اعضای جامعه بین‌المللی است که چگونه از امکانات موجود در جهت ارتقای فرهنگشان استفاده کنند. بر این اساس، انسان نیز به‌عنوان یکی از اعضای غیردولتی جامعه بین‌المللی موظف به محافظت از تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت است؛ میراثی که باید حمایت شود و در اختیار نسل‌های آتی قرار گیرد (Francioni, 2004: 18-20).

نتیجه‌گیری

فرهنگ روش کلی زندگی مردم از گهواره تا گور است و تنوع فرهنگی بازتاب تکثر و تعامل فرهنگ‌هایی است که در جهان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به یکدیگر احترام می‌گذارند. با ورود به عرصه جهانی شدن و ضمن قبول این حقیقت که جهانی شدن توفیق اجباری است که تمامی ابعاد زندگی بین‌المللی را فرا گرفته است و تمامی کشورها ناگزیر از همراهی با آن هستند، بالطبع افزون بر مسائل اقتصادی، فرهنگ و تنوع فرهنگی جهان نیز بسیار تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته است. یونسکو به‌عنوان مهم‌ترین مؤسسه تخصصی سازمان ملل متحد که متولی مسائل فرهنگی در عرصه بین‌المللی است، با تصویب کنوانسیون حمایت از تنوع فرهنگی کمک بزرگی در راستای حمایت از تنوع فرهنگی کرده است. البته اینکه کنوانسیون تا چه حد در حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی جهان توفیق خواهد داشت، امری است که مستلزم گذشت زمان است. با وجود این روند تصویب کنوانسیون نشان‌دهنده استقبال فوق‌العاده زیاد دولت‌ها و به‌ویژه کشورهای است که فرهنگشان بیش از سایر کشورها در معرض خطر نابودی قرار دارد. مخالفت برخی از کشورهای توسعه‌یافته با کنوانسیون نیز امید به توفیق آن را کم می‌کند، زیرا در دنیای امروز، شانس حضور یک فرهنگ در ترکیب فرهنگی جدید دنیا و انتشار آن، به سرمایه‌گذاری‌های کلان نیاز دارد که تنها از عهده کشورهای بزرگ برمی‌آید. از این‌رو بدون همکاری و مساعدت کشورهای توسعه‌یافته نیل به این اهداف امکان‌پذیر نیست. البته کشورهای

در حال توسعه نیز باید خود را باور داشته باشند و سعی در تقویت استعدادها و توانمندی‌های داخلی کشور کنند. باید اصلاحات لازم در قوانین و مقررات داخلی به نفع حمایت از مظاهر، کالاها و صنایع فرهنگی ایجاد شود. دولت از تولیدکنندگان داخلی حمایت کند و در جهت ترغیب و تشویق صادرکنندگان برآید تا بتوانند در این قافله جهانی امکان رقابت با دیگران را داشته باشند. در نهایت می‌توان گفت جهانی شدن فرصت‌ها و تهدیدهایی را با خود به همراه دارد که تمامی کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم می‌توانند با کمک گرفتن از قواعد حمایتی کنوانسیون‌های یونسکو از فرصت‌های آن بهره‌جویند و با مساعدت سایر کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته، فرهنگ خود را به جهانیان عرضه کنند و از همه مهم‌تر از فرهنگ‌های در معرض خطر نابودی محافظت کنند. از این‌رو تلاش‌های سازمان بین‌المللی یونسکو می‌تواند تأثیرات ناخوشایند جهانی شدن را کنترل کند و در این صورت جهانی شدن به ارتقا و تعمیق تنوع فرهنگی منجر خواهد شد.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. امیر ارجمند، اردشیر؛ رابینسون، ماری (۱۳۸۶)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو*، ج ۱، قسمت اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲. بلیک، ژانت (۱۳۹۵)، *درآمدی بر حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی در سیاست‌گذاری و حقوق بین‌الملل*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

ب) مقالات

۳. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تأملی بر تنوع فرهنگی در حقوق بین‌الملل»، *سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی*، تهران: گنج دانش، ش ۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.
۴. ----- (۱۳۸۶)، «نگرشی بر کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و یکم، ش ۴، صص ۷۲۷-۷۵۰.
۵. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱-۱۳۸۰)، «حق صلح و منزلت انسانی؛ تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، *مجله حقوقی*، ش ۲۶-۲۷، صص ۵-۱۳۰.
۶. گروس اسپیل، هکتور (۱۳۸۲)، «جهان‌شمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگی»، ترجمه ابراهیم بیگزاده، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۳۸، صص ۲۳۳-۲۵۷.

A) Books

1. Smiers, Joost (2003), *Arts Under Pressure :Promoting Cultural Diversity in the Age of Globalization*, Published by Zed Books.

B) Articles

2. Beat Graber, Christoph (2006), "The new UNESCO Convention on Cultural Diversity : A Counterbalance to the WTO?", *Journal of International Economic Law (JIEL)*, Vol.9 No.3.
3. Benhamou, Françoise & Peltier, Stephanie (2005), " How can we assess cultural diversity ? ", Brussels, Evidence from the French Publishing Industry Françoise Benhamou & Stephanie Peltier conference in honour of Victor Ginsburg.
4. Francioni, Francesco(2004), "Beyond State Sovereignty: The Protection of Cultural Heritage as a Shared Interest of Humanity", *Francioni Type*.
5. Hahn, Michael (2006) , "A Clash Cultures? The UNESCO Diversity Convention and International Trade Law", *Journal of International Economic Law (JIEL)*, Vol. 9, No.3.
6. Imai, Kunihiko (2006), "Culture, Civilization, or Economy? Test of the Clash of Civilizations Thesis", *International Journal on World Peace*.
7. Khachaturian, Alex, (2006),The New Cultural Diversity Convention and Its Implications on the WTO International Trade Regime : A Critical Comparative Analysis", *Texas International Law Journal*, Vol.42:191.
8. Mattelart, Armand (2005), "Cultural Diversity Belongs to Us All" , *Le Monde Diplomatique*.
9. Neil, Garry (2006)," Assessing the Effectiveness of UNESCO s New Convention on Cultural Diversity", *Global Media and Communication* [1742 7665 2:2],Vol. 2, No.2.
10. Rothkop, David (1997), "In Praise of Cultural Imperialism? Effects of Globalization on Culture", *Globalization Policy Forum*.
11. Throsby, David (2004), "Cultural Diversity, Sweetness and Light? Cultural Diversity in the Contemporary Global Economy", *British Council*.

C) Documents

12. *The Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage*, UNESCO, 1972.
13. *The Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage*, UNESCO, 2003.
14. *The Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*, UNESCO <Paris, 20 October 2005.
15. *International Network for Cultural Diversity (INCD)*, Canadian Conference of the Art, draft of January 2003, Ottawa, Canada.
16. *Islamic Declaration on Cultural Diversity*, adopted by the 4 th Islamic

Conference of Culture Ministers,Algiers,December 2004.

17. *United Nations Covenant on Civil and Political Rights (CCPR)*

18. *Universal Declaration on Cultural Diversity*,, Adopted by the 31st Session of the General Conference of UNESCO,Paris,2 November 2001.

References in Persian

A) Books

1. Amir Arjmand, Ardeshir & Robinson, Mary (2007), *Collection of International Human Rights Documents, Global Documents (part 1)*, Shahid Beheshti University (In Persian).
2. Blake, Janet (2016), *An Introduction to Cultural Diversity and Cultural Rights in International Policy and Law_ with Collected Materials*, Shahid Beheshti University. Printing & Publishing Center, first edition (In Persian).

B) Articles

3. Beigzadeh, Ebrahim (2005), "A Reflection on Cultural Diversity in International Law", *Iranian Yearbook of International and Comparative Law*, Tehran, Ganj-e-Danesh Publications, No. 1, pp. 105-125 (In Persian).
4. ----- (2007), "An Attitude Towards the Convention for the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions", Tehran, *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 21, No. 4, pp. 727-750 (In Persian).
5. Phalsafi, Hedayatollah (2001-2002), "The Right to Peace and Human Dignity; Reflections on the Concepts of Legal Rule, Moral Value and Humanity", Tehran, *Legal Journal*, No. 27-26, pp. 5-130 (In Persian).
6. Gros Espiell, Hector (2003), "Universality of Human Rights and Cultural Diversity", translated by Beigzadeh, Ebrahim, *Journal of Legal Research, Faculty of Law*, Shahid Beheshti University, No. 38, pp. 233-257 (In Persian).